

● **مینوار جمند** | به مادر بودنش افتخار می‌کند، این رامی توانم از بیان این جمله‌اش که با افتخار می‌گوید: «مادر دو گل پسر هستم»، درک کنم. یکی از فرزندان‌ش به مدرسه می‌رود و دیگری کودکی است که سمیرا اکبری می‌خواهد بعد از خواباندنش، مصاحبه با ما را انجام دهد. بله، درست خواندید، نامش سمیرا اکبری است، بانوی نویسنده‌ای که به تازگی کتابش با عنوان «آخرین فرصت» تقریظ رهبر معظم انقلاب را گرفته است. اثری که به گذری بر زندگی شهید علی کسایی، مربی و مسئول عقیدتی سیاسی مرکز پیاده ارتش شیراز با روایت همسر شهید، رفعت قافلان کوهی، می‌پردازد و در انتشارات به نشر به چاپ رسیده است.

سمیرا اکبری از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتابش می‌گوید:

آرزویم این بود

آغاز نویسندگی

سمیرا اکبری، متولد ۱۳۶۹ و اهل شیراز هستم. تحصیلات دانشگاهی ام در حوزه فنی مهندسی است، اما همیشه به ادبیات و مطالعه کتاب‌های مختلف از قالب‌های گوناگون ادبیات همراه با نوشتن علاقه مند بودم. بعد از دانشگاه این علاقه را جدی‌تر دنبال کردم و بحث آموزش برایم پرنگ‌تر شد. از این رو در بستر مؤسسه نشر فرهنگ شهادت که یک مؤسسه مردم نهاد در شیراز است، این شرایط برایم فراهم شد تا هم از نظرات استادان نویسندگی بهره ببرم و هم بتوانم تجربیات آن‌ها را استفاده کنم.



زندگی در تاریخ جنگ

در این کتاب علاوه بر گفت‌وگو با همسر شهید کسایی با برادر و همسر ایشان و دوستان این شهید هم گفت‌وگوهایی انجام شد، اما محور اصلی خاطرات همسر شهید کسایی و روایت ایشان است. کتاب با اجرای مراسم خواستگاری و ازدواج این شهید خواندنی‌تر می‌شود و در خلال کتاب نیز اتفاق‌های زندگی ساده و عاشقانه خانواده شهید کسایی در شهر شیراز روایت می‌شود. این کتاب را علاوه بر مرور خاطرات دوران زندگی و رزمندگی شهید علی کسایی، می‌توان تاریخ شفاهی دوران انقلاب و جنگ ایران و عراق نیز دانست.

شهید نهج البلاغه و غدیر

از سمیرا اکبری می‌خواهم برای شروع صحبت از چگونگی ورودش به جریان زندگی شهید کسایی بگویم. او توضیح می‌دهد: «یک روز صوت سه ساعته‌ای از سوی مؤسسه به من داده شد که مصاحبه با همسر شهید علی کسایی بود و قرار بود آن را در قالب خاطرات شفاهی به نگارش در بیاورم. پس از گوش دادن آن مصاحبه، شخصیت شهید و همسرشان برایم بسیار جذاب و ستودنی شدند و پرسش‌های زیادی درباره‌شان در ذهنم ایجاد شد. قرار مصاحبه با همسر شهید را گذاشتم و مسیر گفت‌وگوهایمان به سمتی رفت که فرضیه نگارش یک کتاب خاطرات مفصل و جامع قوت گرفت چون شهید علی کسایی، شخصیت ناب و گمنامی بود. قرار مصاحبه‌های تکمیلی را گذاشتیم و این سه ساعت گفت‌وگو به سی ساعت صوت تبدیل شد. از یک سوغدغه‌ام معرفی قهرمانان و شهدای کشورم به جامعه بود و از سوی دیگر مؤسسه نشر فرهنگ شهادت به عنوان یکی از وظایفش دیدار با خانواده شهدا، جانبازان، رزمندگان و ایثارگران و گردآوری خاطرات آن‌ها بود و هست. این موضوع باعث شد تا از طریق سیدرضا

متولی، یکی از جانبازان شیمیایی در این مؤسسه، با زندگی شهید علی کسایی به عنوان یک شهید شاخص آشنا شوم. شهید علی کسایی جوانمرد انقلابی و مربی آموزش‌های سیاسی و مذهبی بود که مصادف با عید غدیر سال ۱۳۳۴ در شیراز به دنیا آمد. در سن ۲۵ سالگی ازدواج کرد و خطبه عقدشان توسط امام خمینی (ره) جاری و مراسم ساده عروسی‌شان نیز در روز عید غدیر برگزار شد. علی کسایی که زندگی‌اش را وقف آموزش، تفسیر قرآن و نهج البلاغه و آرمان‌های انقلاب اسلامی کرده بود، در روز عروسی‌اش دعا کرد تا خداوند شهادتش را هم روز عید غدیر قرار دهد. اما این مناسبت فقط در این حد قابل توجه و جذاب نبود، بلکه شهید کسایی ارتباط عمیقی با ائمه اطهار (ع) داشت. او حافظ موضوعی نهج البلاغه و مدرس این کتاب هم بود. تمام این موضوع‌ها نقطه وصلی شد تا این مسیر را در مؤسسه نشر فرهنگ شهادت ادامه دهم و این توفیق برایم حاصل شد تا هم مصاحبه‌ها را من انجام دهم، هم نامسیر چاپ کتاب زندگینامه شهید کسایی پیش بروم.»

